



گزارشی

زهراچندری

Me too ابزار سیاسی دموکرات‌ها برای تغییر در مجلس نمایندگان

به رغم آنکه هر ۹۸ ثانیه یک زن در امریکا قربانی تجاوز می‌شود اما هیچ‌گاه این چالش به اندازه جنبش Me too رسانه‌ای نشد

پیش از یک سال از جنبش «MeToo» می‌گذرد؛جنبشی که از یازدگرن زن هالیوودی آغاز شد اما سر از کنگره امریکا و دیگر کشورهای غربی در آورد و آنهامانی را متوجه رئیس‌جمهور این کشور کرد و هر روز هم ابعاد تازه‌تری پیدا می‌کند. روی دیگر این ماجرا را اما می‌توان از قاب نظریه‌های مرتبسط با یازمانی رسانه‌ای این ماجرا مورد ارزیابی قرار داد. اینکه با عنایت به جدی‌های جدی‌تری که در هر ثانیه علیه زنان در امریکا و اروپا اتفاق می‌افتد چگونه است که جنبش

جنبش «MeToo» در حالی به یک جنبش فراگیر تبدیل شد که مطابق آمارها هر ۹۸ثانیه یک تعرض جنسی در امریکاتقاف می‌افتد.اوضاع اروپا هم از این بهتر نیست.پیش از نیمی از زنان اروپایی مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند. با تمام اینها اما تاکنون هیچ‌گاه این تجاوزها تا این اندازه رسانه‌ای نشده و مورد توجه قرار نگرفته بود.از سوی دیگر روند دنباله‌دار این جنبش تا امروز و تحلیل آن به مناسبت یک سالگی اش والته در آستانه انتخابات میان دوره‌ای کنگره امریکا بخش دیگری از واقعیت‌ها درباره یازمانی این جنبش را رونمایی می‌کند و یک بار دیگر به اثبات می‌رساند جنبش «MeToo» علاوه بر آنکه بخشی از فسادفراگیر در اروپا و امریکا را آشکار کرد اما هدف اصلی از انعکاس رسانه‌ای گسترده آن و حتی انتخاب زنانی که پرچمداران این جنبش بودند به عنوان چهره سال مجله تایم در سال ۲۰۱۷ همه و همه نشان آن یک سناریوی سیاسی حساب شده دارد و به خصوص در امریکا جنبش «MeToo» ابزاری برای تقسیم قدرت میان جمهوریخواهان و دموکرات‌هاست و زنانی که در سطوح مختلف سیاسی و اجتماعی به این جنبش پیوسته‌اند نیز یک بار دیگر به ابزاری برای بازی‌های سیاسی تبدیل شدند.

نتایج انتخابات میان دوره‌ای امریکانشان داد دموکرات‌ها در بهره‌برداری از جنبش MeToo موفق شدند؛ جنبشی که توانست با بهره‌برداری از زنان برای تغییر ترکیب مجلس نمایندگان به نفع حزب دموکرات کارش را پیش ببرد. نتیجه انتخابات میان دوره‌ای همانطور بود که انتظارش می‌رفت. دموکرات‌ها برای اولین بار از سال ۲۰۱۰ به این سو کنترل مجلس نمایندگان را در دست می‌گیرند و جمهوریخواهان همچنان کنترل مجلس سنا را نگه می‌دارند. از همه مهم‌تر اینکه زنان در این انتخابات رکوردشکن شدند.

■ **تلاش برای احیای دوباره جنبشی یکساله**

مجله اقتصادی اکونومیست در سالگرد جنبش

«MeToo» تیتراصلی، عکس جلوی گزارش اصلی‌اش

را به بررسی این جنبش اختصاص داده بود؛ گزارشی که اگرچه تلاش داشت «MeToo» را جنبشی اجتماعی معرفی کند اما در عمل از رابطه این جنبش با تأثیری



زنان

سرویس اجتماعی۰۹ ۸۸۴۹۸۴۰



طرح مصدوم‌ترین‌زنان جهان

Me too ابزار سیاسی دموکرات‌ها برای تغییر در مجلس نمایندگان

به رغم آنکه هر ۹۸ ثانیه یک زن در امریکا قربانی تجاوز می‌شود اما هیچ‌گاه این چالش به اندازه جنبش Me too رسانه‌ای نشد

«MeToo» به جنبشی فراگیر تبدیل و ماجرا به مقامات عالی سیاسی هم کشیده می‌شود؟ چقدر این ماجرا با ترکیب بندی‌های سیاسی و کارزار احزابی همچون دموکرات‌ها و جمهوریخواهان در امریکا و انتخابات میان دوره‌ای کنگره که سه شنبه هفته پیش بر گزار شد در ارتباط است؟ و اینکه یازمانی رسانه‌ای از جنبش MeToo تا چه اندازه به واقعیت منطبق بود و چقدر در مبنای تصویرسازی و ارائه تصویر درخشده و سیاستگذاران برای دستیابی به اهدافشان همچوانی داشت.

بین کارگران زن و مرد می‌پردازد و قصد دارد محافظتی در برابر سوءاستفاده برای زنان جوانی در محیطی که کار می‌کنند فراهم آورد. از نگاه اینس گزارش جنبش MeToo ممکن است تبدیل به نیرومندترین قدرت برای حل مسالمت آمیز بین زنان و مردان از زمان حق رأی زنان شود.

حالا اما بازگردیم به بخش دیگری از اوضاع زنان در خضونت جنسی را شامل شده است. نشان می‌دهد در هر ۹۸ ثانیه از هر ش زن امریکایی یکی مورد تجاوز یا مورد تعرض قرار گرفته‌است. طبق گزارش شبکه ملی مبارزه با تجاوز جنسی در امریکا تعداد ۳۲۱هزار و ۵۰۰ نفر در ایالات متحده در سن ۱۲ سالگی به بالا به طور متوسط در سال در معرض تجاوز یا تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند.

اکثر قربانیان خضونت جنسی در امریکا از سنین ۱۸ تا ۳۴ سال بوده که ۵۴درصد از قربانیان را در بر گرفته است و نسبت قربانیان ۱۸ تا ۶۴ساله ۹۲درصد را کل قربانیان خضونت جنسی را شامل شده است.

گزارش رسانه های امریکایی آمارهایی را در این زمینه ذکر می‌کند، از جمله اینکه در امریکا هر ۹۸ ثانیه یک نفر مورد حمله جنسی قرار می‌گیرد، از ۱۹۹۸ تاکنون بالغ بر ۱۷ میلیون و ۷۰۰ هزار زن در امریکا قربانی تجاوز جنسی شده‌اند و ۹۹ در صد مرتکبین خضونت‌های جنسی بدون هیچ مجازاتی آزاد هستند.

در مورد اثرات روانی تجاوز به عنف در قربانیان زن ۹۴ درصد از زنان که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند به مدت دو هفته پس از وقوع جرم دچار اضطراب شده‌اند در حالی که ۳۳درصد از زنان مورد تجاوز به خودکشی فکر کرده‌اند و ۱۳ در صد برای خودکشی تلاش جدی داشته‌اند. خضونت جنسی تنها به ایالات متحده محدود نمی‌شود، بلکه در تعدادی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز وجود دارد که در آنجا نیز سوءاستفاده جنسی بسیار شایع است، به طوری که بیش از نیمی از زنان اتحادیه اروپا از تجاوز جنسی مورد آزار قرار گرفته‌اند و از هر سه زن یکی در مورد توجه جریان رسانه‌ای غرب نبود.

قربانیان اصلی خضونت غرب

دختر بچه ۷ ساله یمنی که بر اثر سوءتغذیه جان سپرد

تنها یکی از ۱/۸ میلیون کودک یمنی است که ۳ سال است در سکوت غرب زیر آتش عربستان قرار دارد

یود: «قبل از عید پدرم برابم گوشواره‌ای خرید و من او را متقاعد کردم که بگذارد آنها را الا ان بپندم. من به او گفتم کسی چه می‌داند شاید عید آمد و من زنده نبودم».

امسل حسین یکی از ۱/۸ میلیون کودک یمنی بود که از سوء تغذیه رنج می‌سرد که طبق گزارش جدید صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف) از این تعداد ۴۰۰ هزار کودک یمنی از سوءتغذیه شدید رنج می‌برند و برای زنده ماندن مبارزه می‌کنند و این در حالی است که شانسن زنده ماندن آنها کم است و نیمی از مردم یمن نیازمند سید غذایی هستند.

صندوق کودکان ملل متحد همچنین

این کشورها در حال قربانی شدن هستند با این تفاوت که این بار دست غربی‌ها در ظاهر به خون این افراد الوده نیست اما متحد و حامی تجاوز به حقوق این افراد به شمار می‌آیند. زنان و کودکان یمنی مصداق تمام عیاری از قربانیان اصلی خضونت غرب در کشورهای غیر غربی هستند.

تصاویر «امل حسین» دختر بچه هفت ساله یمنی که از شدت ضعف و گرسنگی، شرایط بسیار حادی داشت، برای اولین بار از سوی روزنامه نیویورک تایمز منتشر شد و واکنش‌های بسیاری را به همراه داشت.

سه سال پیش یونیسف اتفاقی پوستر ی از امل حسین منتشر کرده بود که گفته

جوانان

اسلام

یکانه شریعت

بازگشت به اصول شرعی نسخه یگانه حل جالش مهریه

مهریه زنان لاقل در سال‌های اخیر همواره موضعی مناقشه برانگیز بوده‌است. یک سوی این مناقشه تغییر ارزش‌ها و پارادایم‌های اجتماعی و سوی دیگر آن سنتی شرعی و آمیخته شدنش با عرف‌های اجتماعی و پارادایم‌های تغییریافته‌ای است که تمام ابعاد زندگی‌های امروزی را فراگرفته است. به تناسب غلبه نگاه مادی‌گرا در جامعه و کالایی شدن ارزش‌ها، مهریه یا صدیقی که در سنت و فقه اسلامی نشانه‌ای از صدق و علاقه مرد به زن تلقی می‌شود به کالایی تبدیل شده که شأن و جایگاه زنان یا آن سنجیده می‌شود. همین امر موجب شده‌است تعیین مهریه‌ای معقول از نگاه برخی افراد به معنای پایین آوردن شأن زن تلقی شود. از سوی دیگر اما فقدان پشتوانه‌های قوی اجتماعی و آمار فزاینده طلاق و کاهش عمر مفید زندگی‌های مشترک سبب شده‌است مهریه از سوی برخی دیگر از خانواده‌ها که ممکن است حتی نگاه متعادل‌تری داشته باشند به عنوان یک پشتوانه و تضمینی برای دوام بیشتر زندگی تبدیل شود. نگاه خانواده دختری به مهریه آن است که در صورت دوام نیاقتن زندگی دست‌کم پشتوانه‌ای برای وی وجود دارد که می‌تواند تا حدودی دغدغه‌های مادری‌اش را تأمین کند. نسوی دیگر ماجرای چالش شدن مهریه اما مردانی هستند که همچنان در فضای «مهریه را کی داده و کی گرفته» سیر می‌کنند؛ مردانی که فراموش می‌کنند مهریه تعیین شده را پذیرفته‌اند و از منظر شرعی با جاری شدن صیغه عقد مکلف به پرداخت آن هستند حتی اگر زن آن‌را مطالبه نکند.

حالا اما با گرانی بی‌سابقه سکه و با عنایت به سنتی که اغلب خانواده‌ها منبای مهریه را اسکه قرار می‌دهند مهریه به عنوان یکی از مصادیق دفاع شفه اسلام از حقوق زنان به چالشی اجتماعی بدل شده‌است و صاحبزنان و مسئولان مختلف هر کدام از ظن خود برایش راهکار ارائه می‌کنند.

با تمام اینها اما به نظر می‌رسد بهترین راهکار برای حل و فصل منطقی و عادلانه این ماجرا بازگشت به اصول شرعی و اصالت این بحث فقهی است. به این معنا که هر مردی که می‌خواهد با زنی عقد نکاح ببندد یا علم به این امر که بعد از جاری شدن عقد باید مهریه‌اش را به وی بدهد پای میز مذاکره بر سر تعیین مهریه بنشینند و در نهایت هم بعد از عقد و قرار گرفتن زیر یک سقف مهریه همسرش را بپردازد.

بدیهی است اگر مرد در پرداخت این دین جدی باشد در پذیرش میزان مهریه با دقت بیشتری عمل می‌کند و زیر بار مهریه‌های سنگین یا عجیب و غریب نخواهد رفت. از نسوی دیگر پرداخت مهریه به همسر در طول دوران زندگی مشترک هم دین شرعی مرد را ادا می‌کند و هم در صورت منتهی شدن زندگی به جدایی چالشی جدی برای وی و به‌وجود نخواهد آورد، چراکه دین مهریه حتی پس از مرگ نیز بر ذمه مرد است و اگر مردی پیش از پرداخت مهریه به همسرش فوت کند طبق قانون شرعی ابتدا باید از اموالی که از وی باقی مانده دین مهریه زن پرداخت شود و سپس اگر چیزی باقی ماند به عنوان میراث وی میان بازماندگان تقسیم گردد مگر آنکه زن مهریه‌اش را به وراث ببخشد در غیر این صورت مهریه مرد دینی است که وراث وی باید آن را ادا کنند.

اگر به سیره الهه اطهار(ع) هم نگاهی بیندازیم درمی‌یابیم همواره این دین ادا شده و هیچ‌گاه هیچ‌ک از بزرگان در ادا ی مهریه همسر کوچک‌تری نکرده‌اند مگر آن‌که زن مهریه‌اش را بخشیده باشد. پس می‌بینیم که راه‌حل بحران مهریه چندان هم سخت و ناممکن نیست، بلکه راهکاری ساده دارد و بازگشت به توصیه‌های شرعی که مبنای چنین سنتی است.

نگاه

مریم زاهدی



اعطای هویت

به کودکان مادران ایرانی و پدران غیر ایرانی

فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی که اغلب افغان هستند و علاوه دیگری بسیاری از آنها به سن ازدواج رسیده‌اند بعضی

از آنها خود صاحب فرزند شده‌اند اما شناسنامه ندارند؛ چالشی جدی بود که سال‌ها برای حل آن چاره‌اندیشی نشده بود اما این بار دولت دوازدهم در گامی جدی برای حل مشکلات حوزه زنان و خانواده پس از سال‌ها بگیری‌های گام و پیگاه برای تعیین تکلیف کودکان

حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی لایحه‌ای را به مجلس فرستاده است که می‌تواند مشکل هزاران کودک حاصل از این ازدواج‌ها را حل کند. طبق آمار رسمی ۵۰ هزار کودک متولد شده از مادران ایرانی و پدران خارجی شناسنامه ندارند هر چند آمار غیر رسمی بسیار جدی‌تر هستند. کودکان ی شناسنامه یعنی افرادی فاقد هویت و کسانی که در شمارش‌های آماری گم می‌شوند و وجودشان در هیچ جا ثبت نشده است. این خود ظریف با القوای از آسیب‌های اجتماعی را خلق می‌کند. مناطق مرزی ، سیستان و بلوچستان و خراسان بیشترین چالش را در این زمینه دارند و درست در همین مناطق است که بیشترین آمار کودکان بازمانده از تحصیل را شاهد هستیم. نکته قابل تأمل اینجاست که کودکان حاصل از ازدواج مردان ایرانی با زنان خارجی که تاکنون می‌توانستند تابعیت ایرانی بگیرند اما داشتن مادر

ایرانی برای گرفتن تابعیت کافی نبود. مطابق لایحه جدید دولت در صورت اصلاح این قانون، فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی می‌توانند تا ۱۸ سالگی به درخواست مادر و پس از ۱۸ سالگی با درخواست خودشان تقاضای تابعیت داشته باشند. پیش از این نیز

تلاش‌هایی برای رفع مشکلات کودکان با مادر ایرانی و پدر غیرایرانی صورت گرفته بود. ماده واحده‌ای تحت عنوان «قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» در سال ۱۳۸۵ به تصویب مجلس رسید. طبق این ماده واحده، فرزندان ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی تنها در صورتی که در ابتدا ازدواجشان با اجازه دولت واقع شده باشند، بعد از رسیدن به سن ۱۸ سالگی می‌توانستند در درخواست تابعیت ایرانی را داشته باشند. و شرط اصلی ازدواج با اجازه دولت و بحث دریافت هویت بعد از ۱۸ سالگی، موجب شد بسیاری از فرزندان زنان ایرانی نتوانند هویت ایرانی خود را دریافت کنند. طرح اصلاحیه این قانون در سال ۱۳۹۰ تقدیم مجلس شد و در سال ۹۱ اصلاح طرح در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس با یک فوریت تصویب شد.

از طرف دیگر، در سال ۹۵ نیز طرح یک فوریت «اعطای تابعیت مادر ایرانی» در مجلس تصویب و مقرر شد کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس بررسی‌های بیشتری انجام دهد. چالش‌های امنیتی و پاراملی آن اصلی‌ترین موانعی هستند که موجب می‌شود نتوان به تصویب این لایحه تازه دولت هم چندان امید بست. با وجود این چاره‌اندیشی برای هویت‌آینگونه کودکان ضرورتی انکارناپذیر است که می‌تواند چالش‌های ثانویه و ورود این افراد به چرخه آسیب‌های اجتماعی را کنترل کند.